



محسن مجید زاده

فولکلور ما زندگان

کشتی لوجو LUCU در ما زندگان

یکی از سنت های پر ارزش و دیرین ایرانیان پستان آئین ورزشی آمیزگی و
ولادری از قبل مکار... آب دوانی شش کشتی و اشام بوده است حتی یکی
از وظایف هم پران در مورد قرینه اش شش آموزش و پرورش جسم اندام و جسم
آن بود: فردوسی شاعر ایرانی و حماسه سرای کهن ما درش نگاه خودش بنامه در
از ورزش بهوایی و محمدی کجبه فرادان کرده:

زیر بود مرد را رستی رستی گری باید دکاستی
و نظایر بر گورده شکار صفاکی
بوزش توانستم خوش را نکات اندازم بر آئینش را
بیانم خودم از هم حورار بگویم از جان سستی دمار

از سوره قصص سوره انشراح و سوره بقره و سوره آل عمران و سوره مائده و سوره احزاب
فردوسی، پهلوانی و نوچه و نوچه بوده اند بطور رسم نسل بهوایی صفاکی، علی و شرفشیری
پوریاکی ولی سید کرمانی، برزو (بهوان بشردل شامه سیری فردوسی)، امیر خراسان
(از شاعرین) و زمان بهوان و ولادری چون کرد افروز، گرد به بانو، گلی سیابان
(از دلاوران سهند نامه) و ...

به حال بی از ورزشهای از نغمه و دوست دانی ایرانیان شتی بوده که در شطرنج مختلف
کسوف حالات مختلف خود گرفته و در اندران هم بفرصت صفاکی جبرائیل، کتاگون نیز زمان
وضع بسته که در او وارد.

و اینک شرح مختصری از جلوه های شتی ما زندگان به شتی « لوجو LUCU »

مسابقه شتی لوجو من است برای نمونه ای بین عربی با جرب دولت
عده از زورگان محل در دات در دات ای ما زندگان برگزار کرده.
جلوه های آن نیز قرار است:
با سر و زور جرب عربی عده از زور شتی ایران را به جرب عربی کتا یا وسیله کی کتیب



بر عتبت بنامند . بهوانان نخل مخلط ، اندر غنسا در همراه با بوجی های خود که
 تسکله Tangale ، تنگل Tangel ، تینگلک Tingel ، تینگلک
 Tingelek ، سده میزند در درختین در گل بر خود حاضر شده . و در سبزی که
 بر نری بنا و بوم جمع است گردیده
 گنجینه های بهوانان با بوجی های (تسکله) خود جمع شده هم سبزی شرح می شود .
 تا شام بهوان در میان شئی دایره وار جمع میزند در یک قسمت از مکان این دایره
 سفیدین و گزگان محمد در زیرین ، در گوشه از میان لوجو ، داود شرح
 آن خواهد آمد نصب گردود دره . داخل میدان کشتی عدله از کشتی ایران
 (بهوانان) قیدی بهوان میسون مسج « Miy un mej »
 یعنی بنا بر بار و در داری بر شئی نظارت نموده در کنار میدان بر عدله ای رز
 بش بهوان میروا سب داری تکماری بنامند . این تسکله (بوجی) ، هم
 کشتی میگیرند ، اگر شده آن را یاد باشد ممکن است سبزی کشتی را بر چند روز
 ادامه یابند

نحوه ی آغاز و انجام کشتی تسکله ها

برای شروع کشتی لوجو . برود تسکله های بهوانان (بر بهوان صد نفر در هر تسکله) به
 همراه ساد دریا و ورود میدان نموده .
 خبر از آغاز کشتی نوازده گانه می ، سبزی ، این را در سب سبزی های هم با بهوان
 حاضر نوازده گانه بنامند و تسکله های در در کشتی بهوان ، با کشتی در شئی ای از به جوانانی
 می کنند گنجینه یک قسمت از آنک در در کشتی ، با این قسمت تسکله های
 کشتی سده ی دو نفر از بهوانان لوجو ، با هم کشتی میگیرند در کشتی شرایط زیر را تا
 رعایت میگردود : الف - تا شش بیستین Tas betashiyen (تجارت سمار در کشتی)

ممن کشتی از بهوانان است . وضع تسکلی (بوجی) که با تسکله ی او کشتی
 را ، آغاز خواهد نموده خبرش نماید از آن بوجی وی با بوجی دیگر بهوان کشتی خواهد
 گرفت . وقتی کشتی از زمین سبزی شده بوجی های بعدی بهوانان با هم کشتی
 خواهند گرفت
 این وضع ، بعد از آن خواهد گرفت تا نام تسکله های (بوجی) جدید بهوانان حاضر
 در سبزی با هم کشتی گرفت و سبزی آنان پایان یابد در این شئی شرط موقعیت است



تمامی این فریبچ از رو و چو از پشت نمی که مانده شود. البته در این قسمت از
 سابقه مسئله ها (نوعها) اثری در رد و باعث پهلوان منصور نیست همان
 مندی که از آنی در پشت بر آن نمی را همده درازد نمایی تعید چی در نمایی شتاب
 میزان که تا شستن را بخود صیب بیناید
 بر از میان کشی سخته؛ (نوعها) نوبت به پهلوان میرسد نمی پهلوان
 در حقیقت نمی زمانه «لوچو» محبوب نبود

ب. نحوه ی نشی پهلوانان لوچو و قرار داد آنان

با نظر در گذشته نشی مسئله ها (نوعها)؛ در نشی نمایی پهلوانان در طی طاعت
 اثری نداشتند فقط هنری نمایی و از اینی در رد و در نشی پهلوانان جهت برود
 جهت مکن است شرایط بر پهلوانان قرار داد اعتبار بر دفا بن پهلوانان معتقد گردد،
 ۱- هرگاه دوره ای می از طرف نشی زمین تاس حاصل نمایی را بهر است
 ۲- هرگاه آب را در یک کرج خورده باشد زمین تاس حاصل نمایی را بهر است
 با رعایت کلمات فوق زنده ی زمانه (فصلت) پهلوان همین میورد و پهلوان
 زنده ی کشته ی صاحب لوچو شود. لوچو با دار چیست؟

ابتدا بر این روشن شدن از آن خواننده گمان عزیز و جبهه ی لوچو خصما را شرح نمود
 لو LU در لوچی باز درانی نمایی لب و چو CU بر نمایی چوب
 است که صفا شود لب چوب

بنابراین لوچو چوب است که در در پهلوان نشی نصب شده و تعدادی
 بارجه از طرف متعین یا مردم مکر پهلوان جایزه ی پهلوان زمانه به لبی
 آن ادب شده اگر نفعه یا گادی نر بران بسته شود. علاوه بر آنچ به لوچو
 نصب یا بسته شده مکن است تعدادی پول تقدم از طرف خصما و تاس
 کشته گان جمع گردد که در دوره و در پهلوان سخته مجموعی لوچو در جبهه کدر نش
 زمانه پهلوان زمانه بیگم کرد. نظر کلی این نشی بسته ی بسیار صاب دهایی

همراه با یک بار اول هر روز با صبح بر زرد میورد و پهلوان نمایی پس از تمام
 کاشی با هم همراه با آب است یعنی در بران جهت و خبر و پشتهای جایزه بر زمین تمام
 دوره ی نشی انجام میدهد که نمودار خانه ی نشی است.



ح - کشتی لوجی نوع دیگر در برخی از نقاط مازندران شرقی

در بعضی از نقاط مازندران شرقی کشتی لوجی به شکل دایره ای رنگارنگ نمود که گاهی
 آنرا نام کشتی سموری می‌نامند و گاهی که کسب است در اصل این کشتی با رنگ نارنجی
 کشتی صیقل یافته در آن می‌باشد برین ترتیب که :
 دو نفر از بندوان دوال یا کمر بند مخصوص به کمر بسته و طرین دست بردار
 بعد بر میز برین قدمش بیشتر به طرف تعابیر از جا کنده و زمین فرو برده
 در صورت زنجیرت در همین نور بر زره شود فردی که نیز در آن کشتی در مورد
 دانتان استیم و مهر است نام کرده است :
 کشتی گرفتن بنا و در سر گرفته شد هر دو دوال کمر
 پس این آران روز در آن اوج نغمه بانان از زمین
 توضیح اینکه در تمام این شبها میدان کشتی محدود نمود و در سر کار
 میدان کشتی باید هر دو قول شده
 یادآوری هوی چند از کشتی لوجی مازندران

با همه بدون تصور شرح برخی از فنون کشتی لوجی چندان گویا نخواهد بود و بعضی
 را در اطلاع بیشتر خواننده گان لازم می‌نماید که به ای روز از آنها بسنده بنمایند :

- ۱- بالتو Baltu : یعنی کشتی که در طرف تعابیر
 با رنگی درخشان گرفته ، با حرکت سریعی او را به پشت بر میگرداند و با تاملش را
 بر هم زده تا موفق بزمین آلودش شود .
- ۲- دله کاب Dele kal : یعنی کشتی که در
 که در دهنهای کشتی هم نمرد و کله دله کاب یعنی کله که در درون
 یا کله کرون از دهنهای طرف تعابیر
- ۳- سیر چنگ Sar cang : گنگ میگرد طرین حال
 سر شاخ بسته می از آنان دست خود را به سر سر کشتی خود نهاده
 در حالت شدت را به الوصفی او را به سمت جلوترت نموده و سر از
 بر هم رون تاملش فنون موقت آنرا شرحه را کار نمود .



۴- کاب دوستان *Kāb darressan* : یعنی کب
 بستن و آن نوع از فن کاب است بطوریکه برای نشیمن
 ۵- کس نوشتن *Kas baguen* یعنی بهوردن
 برقیب بطرفین دور کردن درشتی بستن
 ۶- غاژه مال ، غاژه وال *Gaye bal*
 تقریباً عکس فن دول نمون شده به معنی که یکی از درشتی گران دو
 دست خود را بر مصلحت طرف تقابل قرار داده و سر او را بیدن خود نگاه
 نزدیک نماید تا گاهی رود تسلط یابد سیرتاف و زهر سر قیب را بستن
 هم نموده و در وقت ادراک نفس با لهای غاژه از طرف پشت بیاید
 و این ترتیب قیب بعلت تحریف فوق العاده از طریق اهرام طرف
 تقابل محو است زانو یا تیر را زمین نهاده درشتی را ببارد .

۷- کنگه بو *Kenge par* یا پرت کردن قیب
 از طریق بهادن اوبه دور سیر خود این فن بطور نوبی فن لم درشتی بستن
 باشد به معنی که قیب دو دست طرف تقابل قرار دهد و کوبه سیر
 خود را کج و دراز نماید بیا به کوبه اول قیب در روی پیش قرار گرفته
 و با کوبه بر سرعت ادراک از زمین آشفته سازد .

۸- صیج نوشتن *Mej baguen* (بچوردن) :
 بدست قیب در گردن طرف تقابل نهاده شده و ادراک با قیب در دست
 با این هم فیهام بطور نوبی که یکی از دستها تیر با بر قیب کرده و سیر او را
 گرفته داشته طرف خود می کشد بچوردن قیب تقابل زمین
 بستن گردد .

۹- مگس خوردن *Yek sar burden* : یعنی
 کبیره خرد کردن و آن عهد ، اما اولیو شیر دار بر قیب باشد که نوعی
 بر ریش و بر ریش معنی شود .
 در سیر از فن دور در اینها مهر از آن است
 در حمله علاوه بر قرار درشتی بهو آن در حمله دراز تا زمین بر آن هم
 در سیر رجعت نشیمن

